

## خطاب به نیروها و فعالان سیاسی

### موضوع: تعلیق عضویت مسئول کانون زندانیان سیاسی (در تبعید) - هلند و برکناری وی از مسئولیت هایش

میزکتاب آمستردام در دسامبر ۲۰۰۶ بیانیه ای منتشر کرد که در آن سازمان فدائیان اقلیت را به شرکت در طرح های امپریالیستی متهم کرده است. از این بیانیه با توجه به تیتراژ آن "بیانیه کمیته میزکتاب آمستردام در رابطه با شهزاد نیوز و شرکت "سازمان فدائیان (اقلیت) در طرح های امپریالیستی"، انتظار می رفت برای این اتهام دلایلی روشن و مستدل ارائه کند. در عین حال، رسم بر این است دوری و یا نزدیکی یک سازمان سیاسی به امپریالیسم باید از طریق مواضع و خط مشی آن مورد ارزیابی قرار گیرد، اما بیانیه فاقد چنین ارزیابی است. از آنجا که نام واحد کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) به عنون یکی از امضاء کنندگان در بیانیه آمده است، شورای هماهنگی کانون هیئتی متشکل از دو عضو شورا را مامور تحقیق در باره شهزادنیوز و دخالت احتمالی سازمان فدائیان اقلیت در این پروژه کرد. تحقیقات همان گونه که در اطلاعیه (۱) شورای هماهنگی آمده است، غیرواقع بودن اتهام شرکت سازمان فدائیان اقلیت و شهزادنیوز در طرح های امپریالیستی را ثابت کرد. با توجه به مباحثات و نامه نگاریهایی که با نمایندگان کانون در میزکتاب که این بیانیه را بنام کانون امضا کرده بود، انجام گرفت، مشخص شد که این بیانیه محصول درگیری های شخصی و خطی سالیان دراز در میزکتاب است و طرح شهزادنیوز تنها یک بهانه برای کوبیدن سازمان فدائیان اقلیت بوده است. به مسئول کانون باره ها تذکر داده شد که کانون نباید در درگیری های شخصی و خطی دخالت کند و اساساً کانون ظرف این کار نیست وظیفه ناامن و آلوده کردن فضای جنبش را ندارد. چارچوب فعالیت های کانون مشخص است و باید از این نوع منازعات دوری کند. وی به هیچ وجه حاضر به پذیرش اشتباه خود و نقض اصول و سیاست های کانون که در مصوبات و اساسنامه آن آمده است نشد. از وی خواسته شد که از دخالت دادن کانون در منازعات گروهی خوداری کند، اما به توصیه های تشکیلاتی توجه نکرد و در اطلاعیه بعدی میزکتاب که در نیمه دوم ژانویه تحت عنوان "بحث و گفتگو پیرامون بیانیه کمیته میزکتاب آمستردام در رابطه با شهزاد نیوز و شرکت سازمان فدائیان (اقلیت) در طرح های امپریالیستی" منتشر شد، بازهم نام کانون به عنوان یکی از امضاء کنندگان ذکر شده است. در ادامه، طی یک نامه داخلی که در پاسخ به نامه یکی از اعضای شورای هماهنگی نوشته بود، با طرح یک رشته شعار و مسائل بی ربط، تهدید به جدائی از کانون و انشعاب کرد. طی یک نامه داخلی (۲) بازهم تلاش کردیم مشکلی را که ایجاد کرده است به صورت رفیقانه در چارچوب تشکیلات حل کنیم و در عین حال برای وی نوشته شد که او آزاد است و می تواند تشکل یک نفره خود را با هرنامی که می خواهد به وجود آورد، اما نمی تواند با نام کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) این کار را انجام دهد. پرنسیب ها و دلایل حقوقی و سیاسی و تشکیلاتی حاکم بر این کار نیز برای وی توضیح داده شد (۳). وی در تاریخ ۱۷ ژانویه اطلاعیه ای بنام واحد کانون هلند و با امضای شخصی خود (جعفر امیری) در باره مساله اخیر میزکتاب و اطلاعیه سازمان فدائیان اقلیت در این رابطه منتشر کرد که با اصول و سیاست های کانون معاشرت دارد و ضمن نقض مجدد اساسنامه کانون، رابطه کانون هلند با شورای هماهنگی کانون را خودسرانه انکار کرده است. این اقدام غیرمسئولانه وی، چاره برای کانون نگذاشت به جز آنکه عضویت وی را به موجب بند ۲۳ فصل پنجم اساسنامه کانون تا نشست بعدی مجمع عمومی معلق کند. تصمیم کانون طی نامه ای (۴) در تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۷ به وی ابلاغ و از مسئولیت واحد هلند کانون کنار گذاشته شد. به وی تاکید شد از این تاریخ به بعد تحت هیچ عنوان اجازه استفاده از نام کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) - هلند را ندارد و رفیق دیگری مسئولیت کانون را به عهده می گیرد.

به این وسیله به آگاهی احزاب و سازمانها، نیروهای و فعالین سیاسی در هلند و خارج هلند می رسد که مسئول کانون در هلند "جعفر امیری" از تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۷ به بعد هیچ مسؤلیتی در کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) - هلند ندارد. هرگونه همکاری با وی تحت این نام به معنی زیرپا گذاشتن اصول و پرنسیب های شناخته شده سیاسی و تأیید مشی غلط، مسموم و خطرناکی است که فردا دامن همه را خواهد گرفت. استفاده وی از نام کانون فاقد اعتبار سیاسی و حقوقی است و دخل و تصرف در اموال کانون محسوب می گردد.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

۱۸ ژانویه ۲۰۰۷

## (۱) در باره بیانیه کمیته میزکتاب آمستردام

کمیته میز کتاب آمستردام اخیرا بیانیه ای در رابطه با "شهرزاد نیوز" منتشر کرده و در آن سازمان فدائیان اقلیت را به شرکت در طرح های امپریالیستی متهم کرده است. از آنجا که نام کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) - واحد هلند به عنوان یکی از امضاء کنندگان بیانیه آمده است، شورای هماهنگی کانون ملزم به توضیحاتی در این رابطه است. شورای هماهنگی کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) هماهنگ کننده سیاست ها و فعالیت های سراسری، امور بین الملل و امور پناهندگی کانون است. واحدهای کانون در عین حال که موظف به اجرای سیاست ها و فعالیت های سراسری کانون هستند، در زمینه فعالیت ها و سیاست های منطقه ای خود راسا تصمیم و اقدام می کنند.

کمیته میزکتاب آمستردام در ارتباط با موضع گیری خود به مساله کمک مالی پانزده میلیون یوروی وزارت امور خارجه هلند به برخی پروژهای رسانه ای اشاره کرده و نوشته: "شهرزاد نیوز" که در جولای ۲۰۰۶ به سردبیری مینا سعدادی شروع به کار کرده است پروژه‌ی مشترکی است که به ابتکار "بنیاد دخترک"، متعلق به مینا سعدادی، و همکاری "مرکز بین المللی اطلاعات و آرشیو برای جنبش زنان (IIAV)" و "مرکز آموزش رادیو هلند (RNTC)" تاسیس شده است و یکی از ۱۱ پروژه‌ای است که شامل این طرح وزارت امور خارجه‌ی هلند می‌باشد و به مدت ۲ سال از سوی وزارت امور خارجه‌ی هلند تامین مالی خواهد شد. در ابتدای این بیانیه آمده است: "پس از علنی شدن این امر که سردبیر سایت "شهرزاد نیوز"، مینا سعدادی، یکی از مسئولین "سازمان فدائیان (اقلیت)" می‌باشد، تحقیق و بررسی این موضوع به عنوان یک وظیفه، در دستور کار نیروهای سیاسی عضو کمیته‌ی میزکتاب آمستردام قرار گرفت." و در ادامه آمده است: "برای نیروهای سیاسی عضو کمیته‌ی میزکتاب آمستردام که سال‌های متمادی همکاری نزدیک با رفقای "سازمان فدائیان (اقلیت)" داشته‌اند، شرکت یکی از مسئولین این سازمان در پروژه‌ی "شهرزاد نیوز" به عنوان یک طرح انکارناپذیر امپریالیستی، کاملا غیرمنتظره بود و در عین حال، مساله‌ای بود که "سازمان فدائیان (اقلیت)" می‌باید پاسخگوی آن باشد."

قبل از وارد شدن به اصل موضوع، باید خاطرنشان کنیم که اتهام شرکت در طرح های امپریالیستی به یک سازمانی انقلابی اتهام بسیار سنگینی است. با توجه به آشنائی به مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی سازمان فدائیان اقلیت، به نظر می رسد نویسندگان بیانیه به سنگینی اتهامی که به این سازمان وارد کرده اند، واقف نیستند. کما اینکه در بیانیه، دلایل قانع کننده و مستدلی برای اتهامی که به آن وارد کرده اند، دیده نمی شود. یک رشته مساتل در بیانیه پشت سرهم ردیف شده که خواننده هیچ ارتباط اصولی بین آنها نمی بیند. چون سازمان فدائیان اقلیت به خواست نویسندگان بیانیه فعالیت یک عضو خود در شهرزاد نیوز را محکوم نمی کند، متهم به شرکت در "طرح های امپریالیستی" می شود. ضمن بی ربط بودن این دو مساله با هم، به این کار در عرف سیاسی دخالت در امور یک سازمان سیاسی گفته می شود.

این گونه برخورد از کسانی که خود را درگیر در مسائل جاری مبارزاتی می دانند، ما را شگفته زده و متأثر کرده است. این نوع برخورد پیامدهای بسیار ناسالمی به دنبال خواهد داشت که در آینده گریبانگیر همه را در سطح جنبش خواهد گرفت. دردناک تر از آن زمانی است که نویسندگان بیانیه به جای برخورد با شیوه پلیسی افشای وابستگی سازمانی مینا سعدادی که توسط یک عنصر و سایت معلوم الحال به اجرا در آمده است، به عنوان فرصتی آن را غنیمت شمرده و به آن در بیانیه خود استدلال می کنند. این سؤال برای ما و بسیاری در سطح جنبش مطرح است که چگونه است نویسندگان بیانیه به "عنوان یک وظیفه تحقیق و بررسی" شهرزاد نیوز را در دستور خود قرار می دهند، اما سالها چشم خود را بر روی دریافت کمک های مالی میلیونی که بسیاری از نیروهای جنبش به طور مستقیم و یا از طریق پروژه های زنان، پناهندگی و تحت نام تشکل های دانشجویی، انجمن ها و کانون های ایرانی و... در سوئد، انگلیس و هلند و... دریافت کرده اند، می بندند. حتی اگر گفته شود که نویسندگان بیانیه در جریان این کمک ها نبوده اند و یا با آن درگیر نبوده اند، نمی توانند انکار کنند که در این رابطه چیزی نشنیده اند و یا در حوزه وظایف فعالیت آنها نبوده است. نویسندگان بیانیه خود را کمونیست می دانند و به این اعتبار نمی توانند فعالیت خود را محدود به آمستردام کنند. چرا به عنوان وظیفه بررسی و تحقیق این موارد را این همه سال در دستور کار خود قرار ندادند؟

این بیانیه در گوهر خود چه چیزی را می خواهد افشا کند و در خدمت به کدام منافع انتشار یافته است؟ می خواهیم دشمنان طبقاتی مان را خوشحال کنیم؟ چنانچه قرار است به برخی یا تمام سیاست یک نیروی متحد سیاسی خود که مورد توافق ما نیست، انتقاد و یا حتی اعتراض کنیم، این بیانیه به هیچ وجه روش رفیقانه و دلسوزانه ای برای ابراز این اعتراض و اعتقاد نیست. اعضاء و فعالان بسیاری از نیروهای چپ و انقلابی در پی دریافت کمک مالی برای اجرای پروژه هائی که به عناوین مختلف تسلیم نهادهای دولتی امپریالیستی در کشورهای محل زندگی خود کرده اند، به عنوان مجریان این پروژه ها حقوق دریافت کرده و می کنند و حتی در موارد متعددی بخشی از هزینه های سازمان و گروه خود را از این طریق تامین می کنند و از برکت آن نشریه و کتاب چاپ می کنند. بنا بر این بیانیه، همه ی این فعالین و سازمان ها باید از سال ها پیش در "طرح های امپریالیستی" شرکت کرده باشند. حتما باید بر این کمک های مالی نام خاصی گذاشته شود، آن گونه که دولت هلند در باره پانزده میلیون یورو کرده است؟! کمک کمک است. امپریالیسم امپریالیسم است. سیاست هایش یکی است و در راستای اهدافش کمک می کند، چه این کمک تحت عنوان خاصی باشد و یا به صورت عام صورت گیرد.

اما آنچه که ما از آن آگاهی یافته ایم، مرکز بین المللی اطلاعات و آرشیو جنبش زنان را فعالان فمینیست هلندی تاسیس کرده اند که بعدها زنان چپ و کمونیست برخی کشورهای اروپائی نیز به فعالیت در آن می پردازند. این مرکز بیشترین توجه و فعالیت خود را به زنان غیراروپائی در کشورهای محروم و تحت سلطه رژیم های خودکامه و دیکتاتور معطوف کرده است. آموزش زنان در عرضه های مختلف اجتماعی یکی از اساسی ترین گستره کار این مرکز طی سالیان دراز بوده است. کارهای مثبتی را که این مرکز از زمان تاسیس خود برای زنان در جوامع محروم به اجرا در آورده، ما "کمونیست های" مدافع حقوق زنان یک هزارم آن را برای زنان محروم و زحمتکش ایران انجام نداده ایم. این مرکز از طریق تسلیم پروژه های مختلف به اتحادیه اروپا و دولت هلند، هزینه فعالیت خود را تامین می کند. از امپریالیست ها پول می گیرد و برای زنان محروم و زحمتکش هزینه می کند. آیا این مرکز را باید به خاطر دریافت این کمک ها به شرکت در طرح های امپریالیستی متهم کرد؟ ظرفیت کاری و فکری این مرکز در حد کمک به زنان است. اگر کمک به رشد و حقوق زنان را طرح امپریالیستی بدانیم، پس باید امپریالیسم را هم یک مقوله مترقی بدانیم.

چندین و چند تشکل زنان ایرانی در خارج کشور هستند که گردانندگان آنها زنان چپ و کمونیست و یا عضوی از سازمانهای انقلابی هستند که تنها در محدوده کمک به زنان مهاجر فعالیت می کنند و یا فقط به مساله زنان می پردازند، کار سوسیالیستی هم نمی کنند، علیه رژیم تظاهرات و اکتیون هم نمی گذارند، مجری طرح های امپریالیستی هم نیستند، اما از نهادهای امپریالیستی صدها هزار کرون در سال کمک دریافت می کنند. برخی از آنها رادیو و سایت دارند و در برخی موارد هم برای تهیه گزارش و خبر به مکانهایی زفت و آمد کرده اند که فرستادگان رژیم هم در آنجا بوده اند. خب این چه چیزی را ثابت می کند؟ آیا این فعالان جنبش زنان که کمونیست هم هستند، به دلیل گرفتن کمک مالی از نهادهای دولتی یا به قول بیانیه میزکتاب امپریالیستی، مواضع خود را تغییر داده و در "طرحهای امپریالیستی" شرکت کرده اند؟ این را کدام منطق سیاسی و کمونیستی می گوید؟

مشکل برخی از ما "کمونیست ها" این است که فکر می کنیم همه کارها باید در خدمت به سوسیالیسم باشد در غیر اینصورت، چون مبانی فکری ما را تامین نمی کنند، پس در خدمت امپریالیسم هستند. شق سومی وجود ندارد. این همان سیاه و سفید دیدن است که در قالب قدرت و حکومت به استبداد منجر می شود.

مینا سعدادی به مدت چند سال در مرکز بین المللی اطلاعات و آرشیو جنبش زنان مشغول به کار بوده است. به دلیل به اتمام رسیدن برخی از پروژه های این مرکز مینا سعدادی و چند زن دیگر بی کار می شوند. مینا سعدادی که سالها به فعالیت در عرصه زنان مشغول بوده است، برای ادامه کار خود در این مرکز مدتها قبل از آنکه وزارت خارجه هلند چنین بودجه ای را اعلام کند، طرح تاسیس یک رسانه ژورنالیستی را به مرکز بین المللی اطلاعات و آرشیو جنبش زنان تسلیم می کند. چندی بعد، زمانی که وزارت خارجه هلند بودجه را اعلام می کند، این مرکز طرح را برای دریافت کمک مالی تسلیم این وزارت خانه می کند. این طرح برای دو سال کمک مالی دریافت می کند و مینا سعدادی برای دو سال برای اجرای این طرح استخدام می شود. این طرح با اعلام این بودجه از سوی وزارت خارجه هلند همزمان می شود، در غیراینصورت مرکز اسناد زنان برای تامین هزینه پروژه شهزادنیوز به نهادهای دولتی هلندی دیگری روی می آورد که همه ی این سال ها هزینه بسیاری از پروژه های ایرانی و

غیرایرانی را تامین کرده اند. اینکه بودجه وزارت امور خارجه هلند همزمان با چند "طرح امپریالیستی"، به پروژه شهزادنیوز نیز تعلق می گیرد، به هیچ وجه به معنی همزاد بودن این طرح ها نیست. اگر نویسندگان بیانیه اصرار دارند که آنها را به هم وصل کنند، باید دلیل آن را در جایی دیگری جستجو کرد.

در باره "شهزاد نیوز" در این سایت آمده است: "شهزاد نیوز، سرویس خبری حرفه ای و مستقلی است که اخبار و گزارشات و مطالب موثق ایران و جهان را به زبان های فارسی و انگلیسی منتشر خواهد کرد. سوژه اصلی مطالب شهزادنیوز، وضعیت زنان ایران و جهان است. از همین رو حداقل ۶۰ درصد از مطالب آن به مساله زنان اختصاص خواهد داشت تا از این طریق، توجه به مساله زنان در عمل تضمین گردد".

در توضیح فوق اثری از پیشبرد "طرح های امپریالیستی" دیده نمی شود. در اخبار و گزارشات و سایر مطلب مندرج در آن نیز تا تاریخ نگارش این اطلاعیه اثری از سیاست ها و طرح های امپریالیستی دیده نمی شود. به معضلات اجتماعی زنان و جنایات رژیم جمهوری اسلامی می پردازد.

با این حساب، سردبیر شهزادنیوز آن گونه که بیانیه طرح می کند مجری طرح امپریالیستی نیست و حوزه فعالیت وی همان است که در سایت شهزادنیوز قید شده است. پروژه شهزادنیوز متعلق به مرکز بین المللی اطلاعات و آرشیو جنبش زنان است. عضوی از یک سازمان سیاسی در پروژه ای دخالت دارد که مربوط به فعالیت های شغلی و اجتماعی اوست و هیچ ارتباطی به سازمان و تشکیلات سیاسی وی ندارد.

کمونیست ها می توانند در راستای اهداف انقلابی خود و یاری رساندن به جنبش های اجتماعی که اطلاع رسانی هم یکی از آنها است، از روزه هایی که بورژوازی در اختیار آنها قرار می دهد، استفاده کنند.

به باور ما این بیانیه اصول کار کمونیستی در رابطه با یک سازمان انقلابی را زیر پا گذاشته و تکرار آن به جنبش انقلابی آسیب جدی وارد می کند. فردا هرکسی به خود اجازه می دهد بی آنکه محق باشد، فعالین و سازمانهای اردوی انقلاب را مورد حمله و تعرض قرار دهد و نام آن را هم بگذارد "وظیفه". وظیفه کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) نیست در ایجاد چنین فضائی سهیم باشد. کانون محل انواع اندیشگی چپ است و بنا به تنوع اندیشگی در آن، در صورت درگیر شدن با چنین مسائلی با مشکلات جدی مواجه خواهد شد.

شورای هماهنگی کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)  
۲۱ دسامبر ۲۰۰۶

(۲)

نامه درون تشکیلاتی

رفیق جعفر گرامی

با آرزوی سلامتی و خرسندی برای شما و خانواده ات. آفیش میزکتاب در باره بحث و گفتگو پیرامون: "بیانیه کمیته میزکتاب آمستردام در رابطه با "شهزاد نیوز" و شرکت "سازمان فدائیان (اقلیت)" در طرح های امپریالیستی" را دریافت و در باره آن با رفقای شورای هماهنگی صحبت کردیم. در بیانیه ای که شورای هماهنگی در باره "بیانیه میزکتاب" منتشر کرد، به وضوح اعلام کردیم که کانون نباید در منازعات گروهی شرکت کند و یا بستری برای این درگیری ها باشد. کانون ظرف این کار نیست. رفیق "ب" هم در پاسخ به نامه شما که نسخه ای از آن همزمان در دسترس اعضای شورای هماهنگی قرار گرفت، بر این نکته تاکید ورزید. اما متأسفانه شما به این امر توجه نکردی. به همین خاطر از شما مصرانه می خواهیم کانون را از این تاریخ به بعد در این نوع منازعات دخالت ندهی. این کار برخلاف سیاست و برنامه عمل کانون است و به موجب بند ۲۳ فصل پنچ اساسنامه، نقض ضوابط برنامه ای

کانون است. با امید به اینکه انرژی و توان خود را صرف مبارزه با جنایات کاران حاکم بر ایران و دشمنان طبقاتی طبقه کارگر بکنیم.

با درودهای رفیقانه

ب.ب

مسئول سیاسی شورای هماهنگی کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید)

۱۲ ژانویه ۲۰۰۷

(۲)

رفیق جعفر

نامه شما حاوی دو مطلب کلی و چند جز است. اولی مربوط به سازمان فدائیان اقلیت و سازمان چریک های فدائی خلق ایران است که ضمن آنکه به کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید) هیچ ارتباطی ندارد، نشان از درگیری های شخصی و خطی شما با این سازمان دارد. اتهام شرکت این سازمان در طرح های امپریالیستی از سوی شما را باید در همین راستا تفسیر کرد. شما در نامه هایت به منافع جنبشی اشاره کرده ای که خود از بیخ و بن آن را زیر پا گذاشته ای. کدام انسان کمونیستی، کدام انسان مبارز و آزادیخواه و ضدامپریالیستی، کدام عقل سلیمی می گوید که اتهام همکاری زدن به یک سازمان سیاسی ضدامپریالیسم در جهت منافع جنبش است؟ آیا منافع جنبش این است که شما بی اساس به خود اجازه دهید سازمانی را که در که بیش از سه دهه مبارزه ضدامپریالیستی داشته است، به همکاری با امپریالیست ها متهم کنید؟! آیا منافع جنبش این است که فضای آن را آلوده و ناامن کنید؟! آیا منافع جنبش این است که نیرو و انرژی اش به جای آنکه صرف مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی شود، مصروف درگیری و بدنامی خود کند و بستر لازم را برای تاخت و تاز دشمنان طبقاتی به خود مهیا نماید!؟

رفیق کمی چشم هایتان را باز کنید. به دور و برمان نگاه کنید. به بینید چه بر سرمان آمده است. خودمان بی اساس به جان هم افتاده ایم. باور کنید این دلسوزی برای جنبش نیست. یک جریان سیاسی را با مواضع و خط مشی آن ارزیابی می کنند و از این طریق دوری یا نزدیکی آن به امپریالیسم مورد قضاوت قرار می گیرد. آن گونه که ادعا می کنید، سیاسی عمل کنید. مواضع این یا آن سازمان را اگر قبول ندارید نقد و به آن به شیوه سیاسی اعتراض کنید، چرا اتهام می زنید.

مطلب دوم مربوط به شورای هماهنگی کانون است به نظر می رسد شما بعد از سه سال و اندی همکاری با کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید)، اساسنامه کانون را به درستی مطالعه نکرده ای. شورای هماهنگی توسط مجمع عمومی انتخاب می شود. اعضای آن می توانند از یک یا چند کشور باشند. وظیفه شورای هماهنگی هدایت و پیشبرد اهداف، وظایف و امورسراسری کانون، هماهنگی فعالیت های سراسری و بین المللی و اجرای مصوبات مجمع عمومی است. مکانیزم کار کانون همان است که در اساسنامه آماده است.

شما می خواهی از کانون تصویری ارائه دهی که در هیچ جای اساسنامه به آن اشاره نشده است و اثری از آن در هجده سال فعالیت آن دیده نمی شود. کانون زندانیان سیاسی بنا به تعریفی که در اساسنامه آن است می باید در چارچاب فعالیت هائی که در اساسنامه مشخص شده است عمل کند. تاکنون هم به همین گونه بوده است تا اینکه شما اخیرا از آن در جهت اهداف شخصی و خطی خود استفاده کرده و چارچوب اساسنامه را نقض کردی و کانون را وارد مساله ای کردی که به آن ربطی ندارد. اینکه ما به اساسنامه مراجعه می کنیم که نقض کار شما را برای شما روشن کنیم عین اصول و پرنسپب های شناخته شده تشکل های حقوقی و حقیقی است. شورای هماهنگی در چارچوب وظایفی که در اساسنامه آمده است عمل می کند. مکانیزم کار در کانون بر اساس سلسله مراتب تشکیلاتی و عمودی نیست. ساختار کار آن دمکراتیک است اما برای پیشبرد اهداف و سیاست هایش اساسنامه دارد و همه ی اعضای کانون موظف هستند آن را رعایت کنند. شما علی رغم مباحثات و نامه نگاریهایی ما با شما که بعد از انتشار بیانیه میزکتاب صورت گرفت به نقض کار خود پی نبرده و بازهم برادامه این نقض اصرار می ورزی. همان گونه که خود شما هم در نامه اخیرت نوشتی، قانونی برای شما محترم است که منافع شخصی ات را تأمین کند، که صد البته اشاره ای هم به گفته مارکس

برای نوجیه منافع خود کرده ای. شما در نامه اخیرت آشکارا برکار جمعی خط بطلان کشیده و به سنت آن "همگان" که از فعالیت در سازمان ها سیاسی کنار کشیدند، هرگونه خواست و اجرای روابط تشکیلاتی و سازمانی را دستور از بالا قلمداد می کنی. متأسفانه به نظر می رسد شما به کار جمعی عادت نداری و در یکی دو سال اخیر هم به خاطر همین روحیه شما بقیه رفقای کانون درهلند از کارهای اجرائی کانون و همکاری با شما دست کشیدند. طی این سال ها تلاش ما این بود که رفقای دیگر کانون هلند را به کار کردن با شما متقاعد کنیم، اما به ویژه این روحیه شما مانع پیشبرد این کار شده است. شما انسان فعالی هستی و ما همواره به این روحیه شما ارج گذاشته ایم، اما این به تنهایی برای کار مشترک کافی نیست. کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید)- واحد هلند واحد محلی کانون است و براساس اساسنامه آن شکل گرفته است و همه ی ما چنانچه بخواهیم عضوی از کانون باشیم، موظف به رعایت اساسنامه آن هستیم. چنانچه هر عضوی بخواهد سرخود عمل کند و تعابیر شخصی خود را به جای اساسنامه و تصمیمات جمع قرار دهد که دیگر نام آن را نمی توان کار جمعی گذاشت و هر تشکلی، از جمله کانون معنی و مفهوم وجودی خود را از دست می دهد.

شما در مورد اطلاعیه میز کتاب با شورای هماهنگی که آن را به حکم خود نفی می کنی، مشورت نکردی و تنها در سه خط برای رفیق بابک نوشتی که برخی مباحثات در میز کتاب بر سر شهزادنیوز داشته اید که قرار است محتوای گفت گوها را منتشر کنید. از بیانیه ای صحبت نکرده بودی و گزارشی هم در این مورد به شورای هماهنگی ندادی زیرا به نظر می رسد به کار جمعی اعتقاد نداری و نمی خواهی به اساسنامه عمل کنی و سیاست های شخصی ات را جایگزین مواد مندرج در اساسنامه کرده ای. تازه وقتی هم از اساسنامه صحبت می شود می گوئی همه انشعابات در سطح جنبش به خاطر رعایت اساسنامه بوده است. عجب تحلیلی!! به نظر می رسد شما به آنارشی تشکیلاتی و خودمحوری بیش از نظم کار جمعی علاقه داری. این نوع روحیه قرار دادن منافع شخصی بر منافع سازمانی و کار جمعی است. برآستی این همه سال که شورای هماهنگی در رابطه های مختلف بیانه و اطلاعیه صادر کرده، چرا نپرسیدی که این شورای هماهنگی از کجا آمده و چه کسانی عضو آن هستند؟ این همه سال در ارتباطات دوطرفه با شورای هماهنگی، چرا نپرسیدی که این شورا از کجا آمده است؟ در ثانی مگر شما زمانی که خواستی به عصویت کانون در بیای اساسنامه آن را مطالعه نکردی که ببینی مکانیسم کار کانون چیست و شورای هماهنگی کدام است. یا آنکه آن را خواندی و میدانی، اما در اینجا چون به نفع ات نیست نسبت به وجود آن اظهار بی اطلاعی می کنی!

فعالیت های کانون در تمامی کشورها می باید بر اساس اساسنامه آن انجام گیرد. تصمیم گیری و اجرای فعالیت های محلی باید در چارچوب اساسنامه باشد. نمی توان در سوئد یک سیاست اتخاذ کرد و در هلند و آلمان ... سیاست دیگری. این شیوه کاریک تشکیلات سراسری نیست. اگر چنین شود، امروز شاهد درگیری شما با سازمان فدائیان اقلیت هستیم، فردا باید منتظر درگیری رفقای آلمان با چریک ها فدایی خلق باشیم وروز دیگر شاهد درگیری رفقای کانون استرالیا با کومه له و... کانون زندانیان سیاسی ایران(تبعید) محل انواع اندیشکی است. افراد با اندیشه و خطوط سیاسی گوناگون در آن جمع شده اند. رفقای زیادی در کانون هستند که در سازمان های سیاسی دیگر عضویت دارند و یا به لحاظ سیاسی و بینشی به آن ها نزدیکی دارند و از آن ها هواداری می کنند. اما تا زمانی که در کانون فعال هستند موظف هستند سیاست های کانون را دنبال کنند و از تحمیل نظرات گروهی و خطی خود به کانون اجتناب کنند. آنچه که شورای هماهنگی از شما می خواهد رعایت اساسنامه و اصول کار کانون است.

از این رو شورای هماهنگی بازهم از شما رقیفانه می خواهد که از دخالت دادن کانون در درگیری های میزکتاب با سازمان فدائیان اقلیت و یا هر سازمان دیگری اجتناب ورزی. دو، از شما می خواهیم به این منازعه غیراصولی و بی اساس که دود آن به چشم همه خواهد رفت، پایان دهید. ما مطمئن هستیم که شما توانائی این کار را داری. سه، به هیچ وجه درست و عقلانی نیست، آن طوری که در نامه ات نوشتی، اصول کانون را به خاطر حفظ اصول میزکتاب زیرپا بگذاری. چنانچه قرار باشد که یکی را قربانی دیگری بکنی بهتر است که یکی از آنها را برای پیشبرد فعالیت های خود انتخاب کنی. در عین حال ما معتقدیم که نیازی نیست، یکی را قربانی دیگری بکنی. کانون به عنوان یک تشکل مستقل می تواند و باید از شرکت در برخی کارهای میزکتاب که مخالف اصول کانون است خوداری کند، اما در فعالیت های دیگر که در چارچوب و برنامه آن است شرکت کند. شما به عنوان فرد آزاد هستی در هر حرکتی که میزکتاب انجام می دهد شرکت کنی. برگزاری سالگرد سیاهکل در چارچوب کار کانون نیست. کانون وارث تاریخ فدائی نیست و به این جنبش تعلق ندارد. اگر به خواهیم چنین کنیم باید سالگردهای سازمان های دیگر نظیر کومه له را هم برگزار کنیم. زیرا تعدادی از رفقای کانون عضو این سازمان

هستند و یا از آن هواداری می کنند. این سالگردها نمایندگان خاص خود را دارند. وظیفه برگزاری آن ها به عهده آنها است. اما سالگرد قیام بهمن، سالگردی است متعلق به جنبش و توده های مردم و غیرسازمانی است. در برگزاری چنین مراسمی کانون می تواند شرکت داشته باشد.

شما در نامه ات تهدید کردی "انشعاب" خواهی کرد. به نظرمی رسد مانند دوستان یک نفره ات در نوزده بهمن و انجمن هواداران چریک های فدائی خلق، سنت با ارزشی را دنبال می کنی!! شما حق داری هر لحظه از کانون جدا شوی و نامی برای تشکل یک نفره ات انتخاب کنی، اما به نام کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید) مجاز به این کار نیستی. کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید)- هلند، واحد محلی کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید) است که به دنبال تلاش شورای هماهنگی و خواست رفقای کانون در هلند تاسیس شده و ادامه کاری آن هم در حوزه حقوقی و سیاسی کانون و مسئولیت اش با شورای هماهنگی است. در عین حال، در صورتی که شما علاقه ای به ماندن در کانون نداشته باشی، رفقای دیگر بلافاصله مسئولیت کارها را به عهده خواهند گرفت. شخصا امیدوار بودم که شما با احترام گذاشتن به اصول و تصمیمات جمعی، کار را به اینجا نمی کشیدی که این مسائل طرح شوند. اما به نظر می رسد آنقدر کیش شخصیت در شما قوی است که برایت سخت است به اصولی که جمع تدوین کرده است گردن بگذاری. در هر حال، ما می خواهیم شما در کانون به مانی و به اساسنامه و اصول کار آن عمل کنی، همان کاری که همه ی ما می کنیم. رفتن یا ماندن ات در کانون را به خودت واگذار می کنیم.

ناگفته نماند که شورای هماهنگی از زمانی که شما مسئولیت کارهای کانون را در هلند به عهده گرفتی در مورد مسائل و مشکلاتی که در واحد بوجود آمد، کم کاری کرده است. دلیل آن را هم باید اعتماد بیش از حد رفیق بابک به شما دانست. از همان زمانی که شما فعالیت اجرائی در کانون هلند را آغاز کردی، رفقای دیگر هلند بارها خواستار نشستی با نماینده یا نمایندگان شورای هماهنگی برای رفع مشکلات داخلی واحد هلند بوده اند. اما شورا در این رابطه کم کاری کرد و گذاشت که این وضعیت، که دیر یا زود به دلیل تنهائی شما در امر تصمیمی گیری و اجرائی، پیش می آمد، پیش آید. باید شورای هماهنگی را هم از این بابت مورد انتقاد قرار داد.

با مهر ودوستی

ب

شانزدهم ژانویه ۲۰۰۷

(۴)

رفیق جعفر

با توجه به مباحثات و نامه نگاری رفقای شورای هماهنگی، "ب" و "ب" با شما در خصوص بیانیه میزکتاب و هشدارهای متعدد به شما در باره نقض سیاست ها و اصول حاکم بر کانون و دخالت دادن واحد هلند کانون در منازعات شخصی و خطی خود، و با انتشار نامه "سرگشاده" اخپرت که با موازین و اساسنامه کانون در تضاد کامل قرار دارد، تلاش شورای هماهنگی برای حل رفیقانه اقدامات خلاف تشکیلاتی شما را بی نتیجه کردی و راهی برای کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید) به جز تعلیق عضویت شما تا برگزاری مجمع عمومی نگذاشتی. از این تاریخ شما هیچ گونه مسئولیتی در کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید)- هلند نداشته و حق استفاده از نام کانون را در هیچ جا نداری. یکی از رفقای کانون هلند با شما تماس خواهد گرفت که کلید صندوق پستی واحد هلند را به وی واگذار کنی. اجتناب از این دو، دخل و تصرف در اموال کانون محسوب می گردد. از این تاریخ نیز از آدرس های ایمیل داخلی کانون که مربوط به اعضاء است خودداری کن.

شورای هماهنگی کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید)

۱۷ ژانویه ۲۰۰۷

**سند زیر هم برای آشنائی بیشتر خواننده از تلاش های کانون برای جلوگیری از ادامه اقدامات غیرمسئولانه یک عضو خود که در نهایت به خلع وی از مسئولیت هایش منجر شد، اضافه می گردد.**

کاک جعفر گرامی

ما به محض دریافت بیانیه میز کتاب، بر سر این موضوع در شورای هماهنگی صحبت کردیم. صحبت هائی که با شما کردم در واقع بخشی از بحث هائی بود که ما قبلا با رفقا انجام داده بودیم و بیانیه را یکی از رفقا بر اساس این گفتگوها تنظیم و آماده کرده بود و آن زمان آماده بود، اما بر سر برخی از جملات و ادبیات آن توافق نبود و برخی مسائل دیگر از آن باید حذف می شد. مطالبی را که شما تکراری و سوخته می دانی، نتیجه تحقیقاتی است که ما کرده ایم. در این رابطه به هیچ وجه با فعالین و یا خود سازمان فدائیان اقلیت تماس گرفته نشده است. از منابع سومی بوده است که در همان آمستردام شما زندگی و فعالیت می کنند. اینکه ما به همان چیز معتقدیم که سازمان فدائیان اقلیت است، نشانه درک ما از مبارزه و تجربه کار سیاسی است. برداشت مشابه از مسائل به هیچ وجه به معنی هسوئی یا جریانی نیست مگر آنکه شما بخواهی آن را این چنین نشان دهی که کم نبودند طی این سالها تلاش کردند کانون را به این یا آن گروه متصل کنند. حتی همین بیانیه میزکتاب را هم به تاثیر از یک جریان سیاسی تعبیر کرده اند که ما با این طرز تفکر توافق نداریم. برای اینکه به نویسندگان آن احترام می گذاریم، برای آنها علی رغم تفاوتهای سیاسی اعتبار قائل هستیم و آنان را عاقل و بالغ می دانیم. ما به هیچ وجه خواهان درگیرکردن کانون در منازعات و درگیری های گروهی و خطی نیستیم.

رفیق عزیز ما از کسی دفاع نمی کنیم. ما از اصولی دفاع می کنیم که به آن باور داریم. چنانچه نام کانون به عنوان یکی از امضاء کنندگان بیانیه مطرح نبود، هرگز لازم نبود ما در باره آن توضیح بدهیم. ما بیانیه میزکتاب را غیراصولی ارزیابی کردیم و برای آن که خواننده متوجه شود که ما چه می گوئیم لازمه آن پرداختن به یک سری مسائل بود. متاسفانه خیط شما نسبت به فعالین و سازمان فدائیان اقلیت آنقدر عمیق است که هرچیزی را که خلاف نظرت باشد در طرفداری از آنها قلمداد می کنی. این همان نطری است که عمیقا در بیانیه میزکتاب هم منعکس است. ما اگر مثل دیگران بخواهیم بی مسئولانه برخورد کنیم، انگ زدن کار راحتی است. اما این کار از ما ساخته نیست و این روش را کار سالمی نمی دانیم. ما نمی توانیم به راحتی فعالان کمونیست را تنها به این خاطر که کمک مالی از دولت ها دریافت می کنند، همکار امپریالیسیم بدانیم، مگر آنکه دلایل قرص و محکوم سیاسی برای آن باشد. دلیلی که بیانیه میزکتاب در رابطه با "شرکت سازمان فدائیان اقلیت در طرح های امپریالیستی" طرح کرده با جمع بندی و منطق مبارزاتی ما کاملا بی اساس است. ما مسائل را بخوبی می فهمیم. هیچ عقل سلیمی و هیچ انسان سیاسی با تجربه ای اگر مغرض نباشد نمی تواند به پذیرد سازمان فدائیان اقلیت و یا هر سازمان انقلابی دیگری تنها به خاطر محکوم نکردن یک عضو خود برای شرکت در طرحی که به گفته شما امپریالیستی" است، در "طرحهای امپریالیستی شرکت" کرده است. آیا یک لحظه به دور از جوی که در آن قرار گرفتی، به این مساله فکر کرده ای که این چه استدلالی است؟ شما فکر می کنید مردم نمی فهمند. بعد هم وقتی انتقاد و اعتراض می کنند، به آنها توهین و انگ طرفداری و دنباله روی می زنید؟ آیا این نوع موضع گیری برایت آشنا نیست؟

متاسفم که به گویم بعد از صحبت آنروز با شما متوجه شدم که مشکل شما با سازمان فدائیان اقلیت و قبل از آن با سازمان چریک های فدائی خلق ایران(اقلیت) امری قدیمی و خطی است. و این مساله می تواند روی ارزیابی های شما در باره این سازمان عمیقا تاثیر بگذارد.

اگر شورای هماهنگی بیانیه میز کتاب را درست می یدیرفت، آنگاه بازهم ما را به یک سازمان سیاسی دنباله رو متهم می کردی؟

نوشته شما سوراخ های زیادی دارد که من از آن ها می گذرم. نامه ای که نوشته ای کاملا عکس العملی و از روی عصبانیت است.

قربانت ب  
دوم ژانویه ۲۰۰۷